

مفاهیم عرفانی هنر و زیبایی در حکایت قلعه ذات‌الصُّور یا دژ هوش ربا برگرفته از مثنوی

معنوی مولانا

چکیده

شعر به عنوان منظومه فکری شاعر در ارتباط مستقیم با جامعه و تحولات آن شکل می‌گیرد. بنابراین واکاوی اشعار یک شاعر می‌تواند تصویری کامل از جامعه‌ای که در آن زیسته و تحولات آن ارائه دهد. صائب تبریزی به عنوان یکی از شاعران دوره صفویه است که به عنوان یک نماینده برجسته سبک هندی شناخته می‌شود. دوره حکومت صفویه (۹۰۷-۱۳۵۰ ق)، دوره پر فراز و نشیبی در حیات فکری و هنری جامعه ایران بود. مسئله‌ای که در این میان می‌توان مطرح کرد این است که تحولات این دوره چه بازتابی در شعر صائب تبریزی داشته است. این پژوهش با تکیه بر روش تحلیلی و توصیفی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این مسئله است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که شاعران سبک هندی دو دوره متفاوت را در زندگانی خویش تجربه کردند؛ در دوره نخست، با بی‌ضاعتی و ناتوانی مالی، اشعاری را در وطن سرودند و در دوره دوم، با ثروتی اندوخته از حمایت درباریان سرزمین هند به بیان خیالات شاعرانه به طرز تازه و معنی بیگانه پرداختند. صائب از جمله شاعران سبک هندی است که با غربت‌گزینی، مدتی از عمر شاعری خود را در هند گذرانده است؛ لذا «وطن» و مفاهیم مرتبط با آن در شعر او می‌تواند نمایانگر چگونگی نگرش او نسبت به فضای فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی عصر خویش باشد و از لابلای این اشعار، به دلایل مهاجرت وی به سرزمین هند پی برد. از سوی دیگر اشعار وی سرشار از مفاهیم هنرهای سنتی است که می‌تواند جلوه‌ای از رونق هنری عصر صفوی باشد.

اهداف تحقیق

۱. بررسی نقش فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه در جایگاه مفهوم وطنیات و هنر سنتی در شعر صائب تبریزی
۲. ترسیم ابعاد مختلف مفهوم وطن در شعر صائب تبریزی

سؤالات تحقیق

۱. فضای فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی چه تأثیری بر فضای شعری صائب تبریزی داشته است؟
۲. نگرش صائب تبریزی صائب در مورد وطن و غربت چگونه است؟

واژه‌های کلیدی: سبک هندی، صائب تبریزی، عصر صفویه، وطن، هنرهای سنتی.

مقدمه

آثار مولانا در تاریخ ادبیات فارسی هم از نظر کیفیت و هم به سبب غنای عظیمی که دارند یگانه و منحصر به فرد است. کتاب مثنوی معنوی جامع باورهای شریعت و طریقت و حاوی اسرار درونی و حقایق باطنی مولاناست. بدون تردید او سخنوری است قهار، که گوی سبقت را از بسیاری از بزرگان ربوده و در انتقال مفاهیم عمیق، ژرف و گسترده نیز بی‌مانند است. وی معانی و مفاهیم ژرف را در قالب الفاظ مرسوم و معمول عوام و در قالب قصه و حکایت بیان می‌کند. بیش‌تر قصه‌های مثنوی از جنبه‌ی عرفانی سرشار است. از مجموع شش دفتر مثنوی، آخرین داستان پایانی دفتر ششم که عنوانش «قلعه‌ی ذات‌الصور» یا «دژ هوش‌ربا» است که از نظر عرفان هنر و زیبایی دارای جایگاه ویژه‌ای است به عقیده استاد همایی و نیز استاد زرین‌کوب این داستان متضمن بیش‌ترین دقایق و رموز، سیر و سلوک روحانی و افکار متعالی مولوی است که با تأمل می‌توان به حقایق آن پی برد، لذا این حکایت در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

در خصوص موضوع این پژوهش تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر در نیامده است. نمونه‌ی مطالعاتی که به تحقیق و تبیین محتوایی فلسفه و زیبایی‌شناسی در مثنوی معنوی پرداخته‌شده باشند، بسیار محدودند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: «مقدماتی درباره‌ی مبادی عرفانی هنر و زیبایی در اسلام با اشاره به مثنوی معنوی» از شهرام پازوکی (پاییز ۱۳۸۲)، در این مقاله با استناد به مثنوی معنوی ارکان عرفانی، زیبایی و هنر در عالم اسلام بیان و به دو هنر متفاوت شعر و نقاشی اشاره شده است. «عکس مهرویان، خیال عارفان» از حسن بلخاری (۱۳۸۷)، در این کتاب مفهوم و ماهیت خیال در گستره‌ی حکمت و فلسفه‌ی اسلامی و به‌طور خاص در آثار و آراء مولانا در سه ساحت معرفت‌شناختی، کیهان‌شناختی و ولایت تکوینی اولیای حق مورد مطالعه قرار گرفته است. مقاله‌ی دیگری با عنوان «تحلیل تطبیقی دژ هوش‌ربا با گنبد سرخ هفت پیکر نظامی» از محمد بهنام‌فر و اعظم نظری (۱۳۹۰)، تألیف شده است. به دلیل وجود پاره‌های مشابهت‌ها بین این دو داستان، در مقاله حاضر سعی شده است تا با دیدی تطبیقی این دو داستان، تحلیل و بررسی شوند. نتیجه تحقیق حاکی از این است که یا مولانا درسروندن دژ هوش ربا تحت تاثیر گنبد سرخ نظامی بوده است و مانند دیگر داستان‌های مثنوی آن را در جهت اهداف و مقاصد خود به کار گرفته است و یا این که هر دو از منبع مشترک دیگری استفاده کرده‌اند. براساس مطالعات و تحقیقاتی که صورت گرفته، این نتیجه به دست می‌آید مقاله در این موضوع بسیار کوتاه است مقاله و تحقیق مستقلی در این خصوص تحت عنوان مفاهیم عرفانی هنر و زیبایی در حکایت قلعه ذات‌الصور یا دژ هوش ربا صورت نگرفته است. در این نوشتار گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته است. در این پژوهش به نگرش‌های عارفانه و عاشقانه مولانا پرداخته شده است و مفاهیم عرفانی زیبایی‌شناسانه‌ی او را مورد مطالعه قرار گرفته است تا تصویری روشن از عرفان هنر و زیبایی در مثنوی معنوی ترسیم گردد. با توجه به این‌که مثنوی معنوی که یکی از برجسته‌ترین متون ادبی و عرفانی است و در ادبیات فارسی تأثیر چشم‌گیری دارد. از این رو جست‌وجو در مبانی عرفانی هنر و زیبایی آن ضرورت

دارد و می‌توان برای شناخت حقیقت مفاهیم هنر و زیبایی به آن رجوع کرد که مهم‌ترین مبانی زیبایی در قالب دقیق‌ترین تمثیلات تبیین شده است.

نتیجه‌گیری

مثنوی معنوی که از گسترده‌ترین تجلی‌گاه‌های شعر عرفانی در ادبیات فارسی است و به حق یکی از عالی‌ترین نمونه‌های ادبی تفکر عرفانی مولاناست. وی معانی و مفاهیم ژرف را در قالب دقیق‌ترین تمثیلات تبیین ساخته است. داستان قلعه‌ی ذات‌الصور متضمن بیش‌ترین دقایق و رموز، سیر و سلوک روحانی و افکار متعالی مولوی است. همین قلعه‌ی ذات‌الصور جهان صورت‌هاست که هر نقشی از آن فریبنده‌ی عقل و دام راه‌گروهی از سالکان است. در این داستان شاه‌نماینده‌ی عقل کل است که جمله جهان ملک اوست. او شهزادگان و طالبان حقیقت را مطابق تأکیدات مکرر قرآن مجاز به سیر و سیاحت و مشاهده تمامی متعلقات و ممالک تحت سلطه‌ی خویش از باب عبرت و تفکر می‌داند اما درباره‌ی قلعه‌ی ذات‌الصور که جلوه‌گاه صور زیبایی محسوس است آن‌ها را از رفتن به آن جا باز می‌دارد. شهزاده‌ی بزرگ نماد روح یا نفس ناطقه است. شهزاده‌ی میانی نماد عقل و خرد استدلالی و شهزاده‌ی کوچک نماد قلب است که مهم‌ترین ابزارهای شناخت و درک حقایق و معانی هستند. اما جایگاه چنین معرفت و شهودی، قلب آدمی است نه عقل فلسفی و خرد استدلالی. اگرچه سفر شهزادگان از وادی صورت آغاز شد اما آن‌ها ناآگاهانه قدم در راه بی‌صورتی نهاده بودند. دریافت و درک حقیقت حسن تنها از عهده‌ی کسانی بر می‌آید که عاشق و طالب حقیقت هستند و در راه طلب به ظواهر محسوس بسنده نمی‌کند و انانیت و غرور را کنار گذاشته و در راه مطلوب خویش فانی گشته‌اند. مولانا راه جذب عنایت و توجه حق را در فنا و نیستی معرفی می‌کند که اساس هستی و بالاترین هنرهاست. این مفهوم اساس مبانی فکری مولانا را شکل می‌دهد و کلید فهم آثار اوست. به طور کلی عقیده‌ی مولانا در باب زیبایی‌شناسی این است که همه‌ی زیبایی‌های این جهان پرتویی است از جمال الهی و آدمی باید که از زیبایی‌های محسوس عبور کند و به زیبایی‌های معقول و معنوی برسد. به نظر او همه‌ی زیبایی‌های هستی آثاری است از تجلیات الهی، پس همه‌ی زیبایی‌های جهان، عاریتی است و از این روست که انسان عارف بر جمال مطلق او عشق می‌ورزد نه بر مظاهر جمال او.

منابع

استعلامی، محمد (۱۳۸۷)، متن و شرح مثنوی مولانا، ۷ جلد، تهران: سخن.

امیری، مهدی (۱۳۹۷)، "معناشناسی ارتباط بین عرفان اسلامی و هنر از دیدگاه زیبایی‌شناختی"، شباک، شماره ۳۳، صص ۱۲-۳۱.

انقروی، اسماعیل(۱۳۸۸)، شرح کبیر انقروی بر مثنوی معنوی مولوی، مترجم: عصمت ستارزاده، ۱۵ جلد، تهران: نگارستان کتاب.

پازوکی، شهرام(۱۳۸۲)، مقدماتی درباری مبادی عرفانی هنر و زیبایی در اسلام با اشاره به مثنوی معنوی، عنوان نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۵، ص ۴-۱۳.

تولستوی، لئون(۱۳۵۰)، هنر چیست، مترجم کاوه دهقان، تهران: انتشارات امیرکبیر

زرین کوب، عبدالحسین(۱۳۸۶)، بحر در کوزه: نقد و تفسیر قصه‌ها و تمثیلات مثنوی معنوی، تهران: علمی.

زمانی، کریم(۱۳۹۲)، شرح جامع مثنوی معنوی، تهران، اطلاعات.

جعفری، محمدتقی(۱۳۶۹)، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، تهران: انتشاران حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

صورتگر، لطف علی(۱۳۴۶)، سخن سنجی، تهران: ابن سینا.

شریعتی، علی(۱۳۶۱)، مجموعه‌ی آثار شماره ۳۲ - هنر.

نصر، سید حسین(۱۳۹۴)، هنر و معنویت اسلامی، تهران: حکمت.

همایی جلال‌الدین(۱۳۶۰)، تفسیر مثنوی معنوی(قلعه‌ی ذات‌الصور یا دژ هوش‌ربا)، تهران: آگاه.

Sources

1. Istilami, Muhammad,(2008), Text and Commentary Mathnavi Molana, 7Jeld, Tehran;sokhan.

Ankhravi, Ismail,(2009), Description of Kabir Enqravi on the from Mathnavi e Manavi Molana, Translated by Esmat Starzadeh,15Jeld, Tehran;Negharestan book.

Homayat Jalaluddin, (1360), The Masnavi Interpretation of Masnavi (Zatulsovar Castle - Dezhe hoshroba), Tehran: Agah

Istilami, Muhammad,(2008), Text and Commentary Mathnavi Molana, 7Jeld, Tehran;sokhan.

Nasr, Seyed Hossein, (2015), Islamic Art and Spirituality, Tehran: Hekmat.

Shariati, Ali (1982), Collection of Works No. 32 - Art.

Soratghar, Lotf Ali, (1967), Sokhansaji, Tehran: Ibn Sina.

Tolstoy, Leon,(1971), What is Art, Translated by Kaveh Dehghan, Tehran: Amir Kabir.

Zamani, Karim, (2013), A comprehensive description of the Masnavi of Masnavi, Tehran, Information.

Zarin Kub, Abdul Hussein,(2007), Criticism and Interpretation of Mathnavi's Tales and Allegories, Tehran: Elmi.

1.Pazuki, Shahram, (Fall 2003), Introduction to the Mystical Foundations of Art and Beauty in Islam Referring to Mathnavi, Title Magazine beautiful arts, No. 15, pp. 4-13.